

تحلیل روابط بین فردی در فیلم‌های هالیوود دهه ۲۰۰۰

الهام رستمی فر^۱

شاپور بهیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۰۳ ، تاریخ تایید: ۹۰/۱۱/۰۴

چکیده:

روابط بین فردی عاملی است که بین تمام انسان‌ها علی‌رغم فرهنگ و مذهب متفاوت، دیده می‌شود. سینما به عنوان یک وسیله ارتباطی، الگوهای ارتباطات بین فردی را به بهترین شکل و تأثیر گذارتر از سایر وسایل ارتباط جمعی، ارائه می‌دهد و سینمای آمریکا در این عرصه پیشتاز بوده است. پژوهش حاضر با استفاده از نظریه‌های فردباوری لیبرالی، خشونت نمادین بوردیو و دیالوگ بر مبنای تعریف دیوید بوهم و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا، روابط بین فردی را در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود بررسی کرده و شاخص‌های فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ، از طریق کاوش در روابط بین فردی در این فیلم‌ها مورد تحلیل قرار داده است. جامعه آماری، فیلم‌های محصول آمریکا از سال ۲۰۰۰ تا اواخر سال ۲۰۰۹ می‌باشد که بر اساس ژانر طبقه‌بندی و نمونه‌گیری شده‌اند. ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه است که بر اساس سکانس و فراوانی گویه‌ها در هر سکانس پر شده است. یافته‌های تحقیق ضمن تأیید فرضیه‌ها، می‌تواند به این معنا باشد که شاخص‌های فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ در روابط بین فردی، در بین کاراکترهای اصلی فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود مشاهده شده است

کلیدواژه‌ها: روابط بین فردی، سکانس، ژانر، فردگرایی، دیالوگ، خشونت نمادین

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی armita.rostami56@gmail.com

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد shapour.behyan@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله:

روابط بین فردی در جوامع صنعتی شده به عمق و وسعت روابط بین فردی در جوامع ماقبل صنعتی نیست. همچنین روابط اجتماعی نیز مانند جوامع سنتی قدیمی گسترده نیست، جایی که مردم در کنار یکدیگر بدون وسایل ارتباط جمعی (به شکل مدرن آن) زندگی می‌کردند اما در زندگی جدید، مردمانی با گذشته‌های متنوع در محیط‌هایی که از نظر فیزیکی و ابعاد ظاهری مشابه یکدیگر هستند ولی از سایر جنبه‌ها مانند قومیت، نژاد، تحصیلات، درآمد و مذهب با یکدیگر متفاوتند، زندگی می‌کنند. در نتیجه تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی، موانع زیادی را در برقراری ارتباط بین مردم بوجود آورده و این مسأله باعث شده که آنها برای گرفتن اطلاعات مورد نیاز به سایر منابع رجوع کنند. وسایل ارتباطی به عنوان یک منبع مهم، خلأ ارتباطی بین مردم در جوامع مدرن را پر می‌کند. در جوامع امروزی این رسانه‌ها هستند که به عنوان وسیله ارتباط جمعی بر تمام ابعاد زندگی مردم احاطه دارند و توانایی عظیمی در جهت‌دهی و دگرگون ساختن تصورات، افکار، اندیشه‌ها و سبک زندگی انسان عصر جدید برخوردارند. روابط بین فردی عاملی است که بین تمام انسانها علی‌رغم فرهنگ و مذهب متفاوت، دیده می‌شود و ربطی به مردمی در کشوری خاص یا مذهب خاصی ندارد. روابط بین فردی یک فرایند رو به پیشرفت است که مدام در حال تغییر، تحول و تکامل می‌باشد. بنابراین، به دنبال تحول جوامع از ساده به پیچیده، این روابط نیز پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر شده و به تبع پیچیده‌تر شدن روابط انسانی، الگوهای ارائه شده از سوی رسانه‌ها نیز پیچیده‌تر و متکامل‌تر می‌شود. در این بین سینما به عنوان یک وسیله ارتباطی، الگوهای روابط میان فردی را به بهترین شکل و تأثیرگذارتر از سایر وسایل ارتباط جمعی، ارائه می‌دهد. زیرا سینما زندگی واقعی مردم را در غالب داستان و در ژانرها و سبک‌های مختلف، به تصویر می‌کشد و با نیرومندی و توانایی کامل به رویاها، خیالات، آرمانها و تصورات تماشاگران روح می‌دهد. سینمای آمریکا در این عرصه پیشتاز بوده و بین ۴۰ تا ۹۰ درصد از فیلم‌هایی که در بیشتر مناطق جهان به نمایش در می‌آیند، تولید آمریکاست. توفیق درخشان صنعت فیلم آمریکا از جنگ جهانی اول به بعد، الگویی برای صادرات کالاهای موسیقی، تلویزیونی، کارهای تبلیغاتی و اینترنت، از آمریکای شمالی به خارج بوده است (واسکو، ۱۹۹۴: ۲۳۳). در سینمای آمریکا به تمام مسائل و مشکلات انسانهایی که در جوامع صنعتی و مدرن و جوامع در حال گذار زندگی می‌کنند و با آن

مسائل در گیر هستند ، خارج از محدوده مکانی، زمانی، فرهنگی و مذهبی می‌پردازد و به نوعی ریشه‌یابی می‌کند. بنابراین با توجه به اینکه روابط میان انسانها در جوامع مدرن یا شاید پسامدرن دچار چندپارگی شده و مردم قدرت تعامل با یکدیگر را از دست داده‌اند و روابط بین افراد جامعه از خانواده گرفته تا گروه‌های بزرگتر مختل شده است، سینمای هالیوود ، این موضوع را مورد توجه قرار داده و مسائل و مشکلاتی که انسانها در سراسر جهان در روابطشان با یکدیگر تجربه می‌کنند ، مطرح کرده و آنها را درگیر می‌کند ، به طوریکه تماشاگر وادار به تفکر شده تا راه حلی برای بهبود روابط و ایجاد تعامل با کسانی که با آنها در ارتباط است ، برسد. قصد ما در این پژوهش این است که روابط بین فردی که مهم‌ترین عامل در تعاملات اجتماعی و خانوادگی است و نقش مهمی در برقراری رابطه‌ای سالم بدور از تنش و همراه با دیالوگ و احترام گذاشتن به عقاید و نظرات دیگران علی‌رغم مخالفت با نظر ما و برقراری دیالوگ برای حل مشکلات بجای مونولوگ(تک گویی) در فیلم- های مذکور مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. با توجه به اینکه سینمای هالیوود به تمام موضوعاتی که در روابط بین انسانها وجود دارد می‌پردازد، در پژوهشی که پیش رو داریم، فقط به روابط بین فردی در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود پرداخته‌ایم و فاکتورهای فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ را در روابط بین فردی در بین کاراکترهای اصلی، مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌ایم . قصد ما از این پژوهش این است که از طریق تحلیل محتوا پی ببریم که آیا خشونت آشکار در سینمای آمریکا هنوز دیده می‌شود یا دیده نمی‌شود، یا جای خود را به خشونت نمادین(خشونت پنهان) داده است. بنابراین این مقاله در پی پاسخ دهی به این پرسشها است : آیا در فیلم‌های ساخته شده دهه اخیر در سینمای هالیوود ، فردگرایی و خشونت نمادین در روابط بین فردی دیده می‌شود یا نه؟ همچنین به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا این فیلم‌ها، دیالوگ را محور اصلی حل مشکلات در روابط بین فردی در نظر می‌گیرند؟

پیشینه تحقیق :

پژوهش‌های داخلی :

آقای غلامرضا آذری در رساله‌ی دکترای خود تحت عنوان نشانه‌شناسی ارتباطات غیر کلامی در بین کم‌دین‌های سینمای صامت کلاسیک هالیوود، به بررسی سبک و شیوه‌ی

بازیگری، ارائه حرکات، رفتارها و نشانه‌های غیر کلامی پنج بازیگر معروف سینمای صامت هالیوود (چاپلین، کیتن، لوید، لورل و هاردی)، پرداخته است. این رساله در پی پاسخ دهی به این سوال بنیادین است که آیا کم‌دین‌های سینمای کلاسیک صامت از نشانه‌ها و معانی رفتار غیر کلامی خویش در جهت تولید دائمی خنده استفاده می‌کردند؟ نتایج حاکی از آن است که عامل اصلی موفقیت بازیگران کمدی کلاسیک، نوع ارتباطات غیر کلامی و تسلط آنان بر رفتار، حرکات و نشانه‌های رمزی اشاره‌ای که شامل تعامل حرکتی دست و پا، کنش متقابل چهره‌ای و ارتباطات عاطفی احساسی را در قالب رفتار خنده آور بروز می‌دهد (آذری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۵: ۸۸-۹۸). بررسی نقش جنسیت کارگردانان فیلمهای سینمایی در پرداختن به شخصیت و سایر مضامین بکار رفته در این فیلمها کاری است که توسط محمد جواد نجف‌لو صورت گرفته است. هدف عمده در این مقاله، شناخت تفاوت‌های موجود در ساختار و محتوای فیلمهای سینمایی ساخته شده دو گروه از کارگردانان زن و مرد است. برای انجام این مطالعه از روش «تحلیل محتوا» استفاده شده است. نمونه آماری در این مطالعه تعداد ۵۲ حلقه فیلم سینمایی است. یافته‌ها و نتایج حاصله نشان می‌دهند که بین ویژگیهای دو گروه از سازندگان فیلمها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد لکن در زمینه پرداختن به شخصیت‌نمایشی تفاوت معناداری بین فیلمهای کارگردانان زن و مرد وجود ندارد. (نجف‌لو، سایت جامعه‌شناسی). محمد رحمتی و مهدی سلطانی در تحقیق تحت عنوان (تحلیل جامعه‌شناسانه مناسبات جنسیتی در سینمای ایران)، با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا و با بهره‌گیری از نظریه‌های فمینیستی در باب سینما، سینمای بعد از انقلاب ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. فرضیه اصلی این تحقیق آن است که مناسبات جنسیتی در سینمای ایران از صورتی پدرسالارانه در سالهای اولیه به صورتی برابری طلبانه در سالهای اخیر سینمای ایران تغییر یافته است. یافته‌های تحقیق ضمن تأیید فرضیه در قالب مناسبات جنسیتی، می‌تواند به معنای نوعی تجربه مدرنیته در فضای جامعه ایرانی باشد.^۱

پیشینه خارجی:

سکس و مواد مخدر در فیلم‌های عامه‌پسند: تحلیل از ۲۰۰ فیلم برتر، عنوان مقاله‌ای است که سه نویسنده به نام‌های گوناسکرا، شاپمن و کمپبل در ژورنال سلطنت اجتماعی

علم طب در اکتبر ۲۰۰۵ به ثبت رسید. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که با وجود تبلیغات گسترده در مورد کنترل جمعیت و بیماری‌مقاربتی، در هیچ کدام از فیلم‌ها استفاده از کاندوم از سوی بازیگران در روابط جنسی ارائه نشده است. همچنین در ۷۵ درصد از فیلم‌های بررسی شده، تصویر بهنجاری از نقص مراقبت‌های بهداشتی و سلامتی (نظیر استفاده از مواد مخدر، الکل و سیگار) برای بینندگان ارائه شده است. (کمپل، چمپن و گانسرکا: ۲۰۰۵: ۵۸-۷۲)

روچه در مقاله‌ای به نام «ستاره‌های زن و سینمای اسپانیا» به تحلیل محتوای ۳۵ فیلم بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ پرداخته است و نقش و پرستیژ شغلی زنان و مردان در فیلم‌های تولیدی سینمای اسپانیا را مدنظر قرار داده است و مدعی است که مردان نسبت به زنان در ۶۹ درصد این فیلم‌ها نقش و پرستیژ شغلی برتری را از آن خود کرده‌اند. وی مدعی است در حالی که عمر تلاش زنان در جهت رسیدن به برابری اجتماعی با مردان به ۶۰۰ سال می‌رسد؛ در انتهای قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم هنوز باز نمایی کلیشه‌ای از برتری مردان در فیلم‌ها به چشم می‌خورد. (روچ، ۲۰۰۶: ۲۲-۳۰)

مبانی نظری:

ارتباط یکی از قدیمی‌ترین و عالی‌ترین دستاوردهای بشر بوده و علاوه بر کارکردهایی که در جهت حفظ حیات و یاری گرفتن از دیگران داشته، زمینه ساز فعالیت‌های اجتماعی و سرآغازی بر زندگی اجتماعی می‌باشد. انسان در نتیجه فرایند اجتماعی شدن، برخی از مهارت‌های روابط بین فردی را کسب می‌کند اما سطح عملکرد او در این مهارت‌ها را می‌توان بهبود بخشید یا تغییر داد. با کمک مجموعه مستحکمی از دانش نظری و الگوهای مناسب و فرصت‌های تجربه شخصی، می‌توان فرایند انسان کامل‌تر شدن او را تا حد زیادی تسریع کرد. رشته ارتباطات یک تاریخچه فکری قدیمی و ممتاز دارد. پیشینه این رشته به عصر یونان باستان برمی‌گردد که فلاسفه بزرگی چون ارسطو و افلاطون علم بلاغت یا سخنرانی در حضور عام را به عنوان یکی از مهارت‌های لازم برای زندگی مدنی تدریس می‌کردند. از دو هزار سال قبل که این رشته پی‌ریزی شد، شکل‌های مختلف تعامل را در خود جای داده است (از جمله: مباحثه در گروه‌های کوچک، ارتباطات خانوادگی و

1- Campbell&Chapman& Gunasekera

2- Roche

ارتباطات میان فردی). ارتباطات میان فردی اساس و شالوده هویت و کمال انسان است و مبنای اولیه پیوند او را با دیگران تشکیل می دهد. روابط میان فردی یک فرایند رو به پیشرفت، مداوم، قابل تغییر و دگرگونی است. هراکلیتوس ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به اهمیت مفهوم فراگرد اشاره کرد و گفت: همه چیز در حال تغییر است. بنابراین وقتی که بپذیریم ارتباط یک فراگرد است در واقع این نکته را مد نظر قرار داده ایم که رویدادها و روابط بین عناصر تشکیل دهنده ارتباط نیز پویا و به طور مداوم در حال تغییر و دگرگونی می باشند و آغاز و پایانی ندارند. اصولاً فرایند ایستا نیست بلکه پویا و یک روند رو به رشد است و اجزای آن، دارای کنش متقابل هستند و بر یکدیگر تأثیر می گذارند و از هم تأثیر می پذیرند. این در حالی است که ارتباطات موثر، موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت روابط می شود و ارتباطات غیر موثر، جلوی شکوفایی انسان را می گیرد و روابط را تخریب می کند. (فرهنگی، ۱۳۸۴) و (محسنیان، ۱۳۶۸). کلید اصلی کسب مهارتهای برقراری ارتباط با دیگران، خودآگاهی است. گرمی، پذیرش، گوش دادن، صداقت و همدردی از اجزای این مهارت است (معتمدنژاد، ۱۳۵۵).

ادوین امری (نظریه پرداز حوزه روابط بین فردی) می گوید: ارتباط بین فردی شامل انتقال اطلاعات، افکار، اندیشه ها، رفتارها و حالات انسانی بین دو یا چند نفر که درگیر ارتباط هستند، می باشد. مثلاً وقتی فردی به فرد دیگر سلام می دهد یا عصربخیر می گوید با بیان شفاهی دوستی و صمیمیت خود را به او ابراز می دارد در واقع به گونه ای احساس خود را به او انتقال می دهد و با او ارتباط برقرار می کند. همچنین زمانی که شخصی به شخص دیگر کارت تبریک یا نامه ای ارسال می کند، هدف و منظور خود را به شکل علائم نوشتاری ارائه می دهد و به این شکل ارتباط برقرار می کند (آلین، ۲۰۱۰)

تئوری بین فردی سولیوان، بر فرایندهای بین فردی که در موقعیت های اجتماعی وجود دارد، تأکید دارد. با مشاهده تعامل فرد با دیگران می توان اطلاعات زیادی راجع به آن فرد، بدست آورد از نظر سولیوان عوامل انگیزشی انرژی مورد نیاز را برای رفتار فرد، ایجاد می کنند. این عوامل، عبارتند از: نیاز به ارضاء و نیاز به امنیت. (پادیاچی، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۲۵)

بلومر روابط بین فردی را در چاچوب تعامل گرایی نمادین تعریف می کند و می گوید:

فراگردهای ارتباطات انسانی مبتنی بر تطبیق خود آگاهانه و دائمی اعمال کنشگران است. از نظر بلومر هیچ چیز هیچگاه ثابت و ایستا نیست. زندگی اجتماعی همیشه در حال تکوین است (جهان، تجربی و پیوسته در حال دگرگونی و تغییر شکل می باشد). باید در پی تعاملات و ارتباطات دو سویه باشیم در دیدگاه تعامل گرایی نمادین، چیزی به عنوان فرد تنها وجود ندارد بلکه فرد همیشه در تعامل با دیگری است و جامعه نیز شبکه‌هایی تعاملی از افراد است که با یکدیگر عمل می کنند و زندگی اجتماعی، مجموعه‌ای از اعمال و کردار افراد تشکیل دهنده آن جامعه است. (استونز، ۱۳۷۹: ۱۳۷)

روابط بین فردی را به طور خلاصه می‌توان اینگونه تعریف کرد :

ارتباطات میان فردی ، یک تعامل گزینشی، نظام‌مند، منحصر به فرد و رو به پیشرفت است که سازنده شناخت طرفین از یکدیگر و محصول این شناخت است و موجب خلق معانی مشترک در بین آنهاست . شرایط، وضعیت، زمان، مردم، فرهنگ، پیشه شخصی و..... بر معنای ارتباطات میان فردی تاثیر می گذارد . روابط بین فردی یک فرایند رو به پیشرفت و در حال تغییر و تکامل می باشد. تنوع یکی از اجزای اصلی ساختار ارتباطات میان فردی است. تعاملی بودن، یکی دیگر از ویژگی های این نوع ارتباط است. در روابط بین فردی معانی و برداشتهای مشترک و اتفاقاتی که بین افراد درگیر ارتباط می افتد ، مهم است و افراد در عین برقراری ارتباط ، در پی یافتن معنای کلمات و رفتارهای یکدیگر هستند (وود، ۱۳۷۹: ۳۰-۶۷).

بنابراین ، انسان قادر نیست بدون ارتباط با دیگران ، افکار ، تجارب و پرسشهای خود را مطرح کند. ارتباط یقیناً نیازمند ابزار و وسیله‌ای است. صدای انسان ، یک وسیله ارتباطی است که از طریق به کار بردن زبان مشترک توأم با ایماء و اشاره ، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم. بسیاری از ابزارها در زندگی ما رسانه‌های ارتباطی هستند اما برخی ویژگی خاصی دارند که از طریق آنها می‌توان افکار، عقاید و احساسات را به افراد بی‌شماری منتقل کرد . به این گونه رسانه‌ها، رسانه‌های جمعی می‌گویند (شیخ‌مهدی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). سینما به عنوان یک عنوان یک نظام ارتباطی جایگاه بسیار مهمی در فرهنگ عامه مردم دارد زیرا برای انبوه مخاطبانش ، به منبع اصلی کسب اطلاعات، مهارتهای لازم در زندگی روزمره و الگوهای رفتاری تبدیل شده است. سینما را می‌توان یک نظام باز(سیبرنیتیک) تعریف کرد که به مبادله اطلاعات با جامعه و محیط پیرامون خود می‌پردازد(نیکولز، ۱۳۷۸). همچنین

سینما ارائه دهنده روابط بین انسانهاست (از تضاد و تقابل گرفته تا تعامل بین آنها). نظریه-پردازان حوزه فرهنگ و سینما، نظرات مختلفی درباره سینما ارائه کرده‌اند. عده‌ای مانند آندره بازن (از بنیانگذاران سینما کایه دو) ، سینما را هنری می‌دانند که از قدرت بازنمایی واقعیت برخوردار است (اندرو، ۱۳۶۵: ۲۷۳). همچنین کراکاتر که به عنوان پدر واقع گرایی در نظریه فیلم می‌شناسند (استم، ۱۳۸۷: ۷۷)، معتقد است که وظیفه سینما کاوش در سطوح واقعیت است و ماده‌ی اصلی که گزینش می‌کند "زندگی" است. از نظر کراکاتر اگر سینما امور را به همان شکلی که واقعاً هستند نشان می‌داد، آنگاه سینما روها آشفته می‌شدند و درباره اصالت و درستی ساختار کنونی جامعه به شک می‌افتادند. بنابراین وظیفه سینما این است که به تماشاگر کمک کند تا سطوح چشم‌گیر زندگی معاصر را ببیند (کراکاتر، ۱۹۹۵: ۲۴). از دیگر نظریه پردازان مهم در این حوزه، والتر بنیامین است که نظراتی مشابه کراکاتر و بازن دارد. او معتقد است که مختصات سینما شیوه‌ای را در برمی‌گیرد که انسان می‌تواند از آن طریق، محیط پیرامون خود را بازنمایی کند و موجبات تعمق در کلیه‌ی دامنه ادراک دیداری و شنیداری مخاطبان را فراهم کند. بنیامین فیلم را گونه‌ای می‌داند که از دریافت دو طرفه‌ای شکل می‌گیرد که با عصر تغییرات اجتماعی و فن‌آوری روز متناسب است. نظرات او مبنی بر این نکته است که تماشای فیلم لزوماً گروهی و بالقوه تعاملی و انتقادی است (بنیامین، ۱۳۸۳: ۲۰۰ - ۲۴۱). بنابراین سینما، توان ادراکی انسان را افزایش می‌دهد و موجب پیدایی رسانه‌ی هنری برتری می‌شود (شیخ‌مهدی، ۱۳۸۲: ۸۸) (او برخلاف آدورنو و همفکرانش، سینما را مصداق فرهنگ توده‌ای و انفعال تماشاگر به حساب نمی‌آورد).

اما آدورنو، هورکهایمر و اکثر افراد مکتب فرانکفورت، سینما را مهمترین بخش صنعت فرهنگ (فرهنگ توده‌ای) می‌دانستند. آدورنو فیلم‌های هالیوود را بارزترین نمونه از صنعت فرهنگ می‌دانست که از طریق تولید آثار قراردادی و با مبدل شدن مخاطب به توده منفعل در حکم عناصر تولید و مصرف در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری عمل می‌کنند. بودریار (از متفکران پست‌مدرن) نیز، بر این باور است که رسانه‌های جمعی (اعم از رادیو، تلویزیون، سینما و...)، آنچه را که تولید می‌کنند واقعی نیست بلکه وانموده یا نسخه‌ای از واقعیت است (که مهمتر از خود واقعیت است) (بودریار، ۱۳۸۱: ۱۲۰ - ۱۲۲).

از همان آغاز پیدایش سینمای هالیوود (در سال ۱۹۰۴)، این واقعیت مورد توجه بود که فیلم علاوه بر رسانه‌ای جمعی برای سرگرمی عامه مردم، یک شکل هنری هم می‌باشد و وسیله‌ای فراتر از زبان است که با تصاویر عکاسی شده‌ی ظاهراً واقعی با حواس انسان به طور مستقیم رابطه برقرار می‌کند (کوک، ۱۳۸۰: ۴۵-۱۰). سینمای امروز آمریکا هم بر اساس نظرات آدورنو، هورکهایمر و بودربار می‌توان توصیف کرد و هم بر پایه نظریات بنیامین و کراکاتر. زیرا سینمای آمریکا، تلاقی میان واقعیت و مجاز و پایان واقعیت طبیعی (که کهنه شده است) می‌باشد و تماشاگری را می‌آفریند که غرق لذت بردن از فیلم می‌شود و حتی توانا به آن است، تا حضور یک تاریکی مهار نشدنی را تجربه کند. تماشاگری آگاه، فعال و توانا به ارزشگذاری است که قادر است فریبکاری را ببیند و دستکاری در تصاویر و اطلاعات را بشناسد. به همین خاطر مجبور است که چگونه دیدن را در دنیای معاصر یاد بگیرد (پائولوتو، ۱۳۸۹: ۲۲). بنابراین، سینمای هالیوود در دودهمه اخیر تا حدی از نظام استودیویی (کلاسیک هالیوود) جدا شده، توانسته است توجه آوانگاردهای مدرنیست را به خود جلب کند و تاحدی از فرهنگ توده‌ای مورد نظر مکتب فرانکفورت کناره بگیرد. از دهه ۱۹۸۰ کارگردانان هالیوود (که به کارگردانان مستقل هالیوود شهرت دارند) توانستند سبک جدیدی را وارد هالیوود کنند که کاملاً با نظام استودیویی تفاوت داشت و تغییراتی اساسی در زمینه صنعتی سینما را نشان می‌داد که به زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، احساس شناور بودن در بین فرهنگ‌ها و زندگی اجتماعی چندپاره می‌پرداخت.

تحلیلگران سینمایی ارزیابی‌شان از سینمای هالیوود، معمولاً صیغه‌ای ژورنالیستی داشته و عمده‌ترین نقض در کار آنها نقائص روشی و نظری می‌باشد. بنابراین، با توجه به این نکته که روابط بین فردی در سینمای هالیوود، اشکالی را سامان می‌دهد که در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا (از جنبش ضد فرهنگ جوانان در ۱۹۶۸ تا کنون) دچار تغییرات بسیار ژرفی شده است، در این مطالعه سعی کرده‌ایم تعاملات و تضادهایی را که در روابط بین افراد جامعه وجود دارد در قالب فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود به شکلی روشمند مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

چارچوب نظری:

چارچوب نظری در این تحقیق، بر اساس سه متغیر مورد مطالعه در روابط بین فردی در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود، تنظیم شده است. متغیر فردگرایی بر مبنای مکتب لیبرالیسم، خشونت نمادین بر اساس نظریه بورديو و دیالوگ را بر پایه‌ی دیدگاه دیوید بوهم در کتاب (درباره دیالوگ)، تعریف کرده‌ایم. همچنین کدنامه (پرسشنامه) نیز با مراجعه به نظریات مذکور طراحی شده و سعی ما بر این بود که تا حد امکان گویه‌هایی انتخاب شوند که بتوانند متغیرهای فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ را در فیلم‌های مورد مطالعه بسنجند، تا نتیجه‌ای مطلوب بدست آید. در ذیل هر سه متغیر را جداگانه به بحث می‌گذاریم.

فردگرایی ۱:

فردگرایی؛ فلسفه‌ای در مورد زندگی است که بر الویت نیازهای فردی بر نیازهای جمعی و گروهی تأکید دارد. فردگرایی در حوزه سیاست، اعتقاد به آزادی فرد دارد (لیبرالیسم)، از دیدگاه مکتب فردگرایی لیبرالی، فرد انسانی خودش به تنهایی معنی و مفهوم و هویت مستقل دارد و از تمامی حقوق و آزادی‌ها، به صرف انسان بودنش برخوردار است. تنوع افکار و عقاید طبیعی است و لذا همنوایی و اتفاق نظر محصول نوعی فشار یا اعمال نفوذ است که گوناگونی را از بین می‌برد و افکار و شخصیت‌ها را در قالبی واحد می‌ریزد (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۶۵). لیبرالیسم، اهمیت نقش‌های متقابل جمعی را رد نمی‌کند و مکانیسم‌های اجتماعی و تأثیر گروه بر رفتارهای فردی را نادیده نمی‌انگارد بلکه آنچه لیبرالیسم مردود می‌شمارد این است که برای کنش این نیروها، هدفی بیرون از فرد در نظر گرفته شود. در این دیدگاه، همه چیز گراگرد فرد می‌گردد و جامعه به معنای کامل واژه همانا محیطی است برای حفظ و نگهداری فرد و ایجاد امکان برای شکوفایی‌اش. فردباوری لیبرالی، آن برداشت‌هایی را طرد می‌کند که چیرگی‌شان به ناگزیر به زوال فرد می‌انجامد. (بورديو، ۱۳۸۳: ۹۶-۹۷) خصوصیتی که مکتب لیبرالیسم برای فرد مهم می‌داند عبارتند از: آزادی اجتماعات، آزادی بیان، آزادی سیاسی، آزادی دستیابی به اطلاعات، حراست از حریم خصوصی فرد، تنوع افکار، کثرت‌گرایی قومی، نژادی، دینی، مالکیت خصوصی و امکان شکوفایی برای تمام افراد. (آقایخشی، ۱۳۸۳: ۹۶-۹۸)

خشونت نمادین ۱:

خشونت به عنوان بارزترین جهان بیرونی جایگاه برجسته‌ای در رسانه‌ها یافته و خود را عنصری ثابت و متدوام در آنها تبدیل کرده است. شاید بتوان ادعا کرد که یکی از تناقض‌های آشکار در تمدن کنونی آن است که از یکسو خشونت را بصورت موضوعی جذاب درآورده است و از سوی دیگر در گفتارهای رسمی و غیررسمی همان خشونت را پدیده‌ای زشت و قابل نکوهش می‌شمارد. (زکریا، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۲) خشونت نمادین یکی از واژگانی است که توسط پیربوردیو در سال ۱۹۹۲ ابداع شده است. نظریه خشونت نمادین نظریه‌ای است که بر بازتولید باورها استوار است. در شرایط مدرن و جوامع پیشرفته، آنچه افراد را می‌دارد که نظام سلطه را بپذیرند و خود به صورت ابزاری در بازتولید آن درآیند، درونی کردن سازوکارهای این سلطه است. برای این کار نیز ابتدا باید سلطه و خشونت صریح و آشکار آن به خشونتی نمادین تبدیل شود (روزنامه سرمایه، ۲۳ آذر ۱۳۸۴: ۵-۶). بنابراین یکی از نتایج خشونت نمادین، تغییر چهره روابط سلطه و تسلیم شدن به روابط محبت‌آمیز، تغییر شکل قدرت به بزرگ‌منشی یا به جذابیتی است که می‌توان آن را افسون‌گری عاطفی نامید. بوردیو بر این نکته تأکید می‌کند که سلطه نمادین زمانی عرصه پذیرش پیدا می‌کند که لباس ظاهری به تن نداشته باشد و به عنوان رفتار سلطه‌گرانه شناخته نشود. لذا سلطه-گر دائما در تلاش است که چهره خود را پس پرده زیبایی‌ها پنهان کند. (بوردیو، ۱۳۸۰: ۲۵۴) در پایان مفهوم "خشونت نمادین" در تئوری بوردیو به طور خلاصه و جامع بیان می‌کنیم: بوردیو معتقد است که رابطه‌ی قدرت در اجتماع، از طریق روشی که واقعیت بر پایه آن تعریف می‌شود، عمل می‌کند به طوریکه سلطه پذیران، روش درک و دریافت سلطه‌گران را می‌پذیرند و در قالب مفاهیم آنها می‌اندیشند، حتی وقتی که درباره خودشان و وضعیت خودشان اندیشه می‌کنند. این چیزی است که بوردیو آن را "خشونت نمادین" می‌نامد و طبق نظر او می‌تواند به خود-تحقیری بیانجامد. (بوردیو، ۱۹۷۵: ۱۰۹-۱۵۶)

دیالوگ ۲:

دیالوگ جریانی از معناست که در بین ما و درون ما جاری می‌گردد و منجر به پیدایش نوعی فهم تازه می‌شود چیزی که بدیع و خلاقانه است و همین معنای مشترک است که

افراد و جوامع را به یکدیگر می‌چسباند (مهاجر، ۱۳۸۹). دیالوگ فرایندی دیالکتیکی و چند وجهی است که وقتی هر یک از طرفین سخنی می‌گویند یا نظری را بیان می‌کند طرف مقابل دقیقاً بر اساس همان مفهومی که مورد نظر طرف اول بوده، پاسخ ندهد و تمام افراد در گیر دیالوگ، پندارها و مفروضات خود را به حالت تعلیق درآورند یعنی نه آنها را کاملاً باور کنند و نه سرکوبشان کنند. هر شخصی که وارد جریان دیالوگ می‌شود، می‌بایست آمادگی کنار گذاشتن عقاید، ارزشها و نیات قبلی اش را داشته باشد تا بتواند چیزی متفاوت و نو را دریافت نماید زیرا ماهیت دیالوگ این گونه است که به تمامی مفروضات و پندارهای ما با شدت و قدرت تمام رخنه می‌کند و بسیاری از آنها را زیر سوال می‌برد و فرد را دعوت به بازنگری در ارزشها و اعتبارهای از پیش تعریف شده، می‌کند و از طریق مکاشفه جمعی، مفاهیمی مشترک، تازه و نو ایجاد می‌کند که از قبل بدین صورت نزد هیچ کدام از افراد در گیر دیالوگ موجود نبوده است. دیالوگ با گفت و گو یا مناظره بسیار متفاوت است. در مناظره افراد عقاید و نظرات خود را به سمت هم پرتاب می‌کنند و از آن دفاع می‌کنند. مناظره به بازی پینگ پنگ می‌ماند که مقصد نهایی برنده شدن در بازی است اما در دیالوگ کسی به دنبال برنده شدن نیست و هیچ کس سعی نمی‌کند نظر خودش را بر دیگری تحمیل کند. مشارکت در دیالوگ، بازی با هم است نه بازی در برابر هم. (بوهم، ۱۳۸۱: ۱۴-۵۵). به طور خلاصه ویژگیهای دیالوگ را می‌توان این‌گونه بیان کرد: خوب شنیدن، خوب دیدن، پرهیز از هر گونه پیش داوری و هر گونه تحمیل نظر، پرهیز از تحت تأثیر قرار دادن یکدیگر و پرهیز از واکنش های خصمانه، اصرار نکردن بر دفاع از پندارها، کنار گذاشتن مفروضات و پندارها و نیات کهنه و باز نگری در اندیشه ها و ارزشها، از ویژگیهای مهم دیالوگ است. بنابراین در دیالوگ قدرت مداری، سلسله مراتب، اقتدار و قصد و غرض وجود ندارد و هر فرد به نوع تازه ای از فهم و درک دست می‌یابد زیرا دیالوگ قادر است تا نوع متفاوتی از تفکر و خودآگاهی را در بین فرد فرد انسان ها بوجود آورد. (بوهم، ۱۳۸۱ و عبادیان، ۱۳۷۹)

مفاهیم پژوهش:

گویه‌های متغیر فردگرایی را طبق نظریه لیبرالیسم تنظیم کرده‌ایم که شامل موارد زیر است:

-درانتخاب شیوه زندگی خود آزاد است - خود اتکایی- تنهایی را ترجیح می‌دهد - عدم وابستگی عاطفی - در زندگی هیجان را دنبال می‌کند - کارهایش را با موفقیت انجام می‌دهد - در انجام کارها جسارت لازم را دارد - اهداف فردی را بر اهداف گروهی یا جمعی ترجیح می‌دهد - منفعت فردی را بر منفعت گروهی ترجیح می‌دهد - بر لذت و خوشبختی و رفاه اطرافیانش بیشتر تاکید دارد - پذیرش و تحمل تفاوتها در روابط بین فردی - آزادی بیان(در خانواده، در بین دوستان، در گروه‌های اجتماعی، در محل کار...) - از رفاه و امنیت اجتماعی برخوردار است - در صورت فقر یا مشکل روانی یا خانوادگی از انجمن‌های غیر دولتی یا دولتی حمایت می‌شود - استقلال رأی در محیط‌های مختلف زندگی - برخوردار از کیفیت بالای زندگی - انعطاف پذیر است - خودخواه است- در رفتارها و افکار خود باز اندیشی می‌کند.

گویه‌های خشونت نمادین را طبق نظریه بوردیو تعریف و تنظیم کرده‌ایم که شامل موارد زیر است :

- امر و نهی کردن به طرف مقابل - اقتدار و استبداد - زورگویی به صورت پنهان - آزار روانی طرف مقابل - طرف مقابلش را مدام مورد نکوهش و نقد قرار می‌دهد - با ذهن طرف مقابلش بازی می‌کند تا او را به انجام کاری وادارد که مطابق میلش نیست - میل به کنترل دیگران دارد - با استفاده از نفوذ و قدرت، طرف مقابل را وادار به سکوت می‌کند - فریب دهی کلامی- با استفاده از نفوذ و قدرت خود، طرف مقابل را وادار کند که طبق باورهای خود یا گروهی که در آن زندگی می‌کنند، زندگی کند(یعنی حرف بزند)- فکر کند - لباس بپوشد و رفتار کند - عدم صراحت در گفتار- طرف مقابلش را مورد توهین، تحقیر و تمسخر قرار دهد - بی توجهی به حرف زدن طرف مقابلش.

گویه‌های متغیر دیالوگ را بر اساس تعاریفی که در چارچوب نظری آوردیم ، طراحی کردیم که شامل موارد زیر است :

-با دقت به حرفهای طرف مقابلش گوش می‌دهد - موقع حرف زدن طرف مقابلش ، حرف او را قطع نمی‌کند - پرهیز از هر گونه پیش‌داوری در مورد طرف مقابل صحبت‌اش- پرهیز از تحمیل نظر خود به طرف مقابل صحبت‌اش - نخواهد با حرفهای طرف مقابلش را تحت تأثیر قرار دهد - پرهیز از واکنش خصمانه نسبت به طرف مقابلش- بر پندارها و اعتقادات خود اصرار نرزد - در اندیشه‌ها و ارزشهای خود در حین گفتگو با طرف مقابل

بازنگری کند- رفتار مقتدرانه با طرف مقابل صحبت‌اش نداشته باشد - در برقراری گفت و گو به دنبال ایجاد تفکر جدید در خود و دیگران باشد - نظرات خود را مداوم تکرار نکند - فرصت حرف زدن به طرف مقابل‌اش بدهد - به عقاید طرف مقابل‌اش مرتب اعتراض نکند - از کلماتی مانند (تو اشتباه می‌کنی-من درست می‌گویم-حق با من است و...از این قبیل) استفاده نکند - به تفاوت‌های طرف مقابل احترام بگذارد حتی اگر با آن عقاید موافق نباشد - بعد از گفت و گو هر دو طرف به نظر یا نظرات مشترکی برسند که با نظرات هر دو آنها تا قبل از برقراری گفت و گو متفاوت باشد - مفروضات و پندارهای گذشته را کنار بگذارد.

روش تحقیق :

این پژوهش قصد دارد با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا ، فاکتورهای فردگرایی ، خشونت نمادین و دیالوگ را در روابط بین فردی در بین کاراکترهای اصلی فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود مورد تحلیل و بررسی قرار دهد . برای رسیدن به هدف مذکور پرسشنامه‌ای با تکیه بر چارچوب نظری تحقیق ، طراحی شد که شامل ۱۹ گویه مربوط به متغیر فردگرایی ، ۱۷ گویه مربوط به متغیر دیالوگ و ۱۳ گویه مربوط به متغیر خشونت نمادین می‌باشد. سپس این پرسشنامه بر اساس سکنس و فراوانی گویه‌ها (مربوط به هر کاراکتر) پرشد و داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل آماری (توصیفی و استنباطی) قرار گرفت.

روایی و پایایی تحقیق:

این پژوهش از اعتبار صوری برخوردار است که با مراجعه به داوران معتبر (اساتید مجرب در این رشته)، اعتبار مطلوب را بدست آورد. همچنین از "ضریب آلفای کرونباخ" برای تعیین پایایی شاخص‌های کدنامه استفاده شده است که نتیجه این ضریب برای شاخص‌های متغیر فردگرایی معادل ۰/۹۴ ، برای شاخص‌های متغیر دیالوگ معادل ۰/۹۷ ، و برای شاخص‌های متغیر خشونت نمادین معادل ۰/۸۴ بدست آمده است که نشان می‌دهد این پرسشنامه (کدنامه) از پایایی بسیار بالایی برخوردار است.

جامعه آماری :

جامعه آماری در این پژوهش عبارت است از فیلم‌های هالیوود (اختصاصاً محصول آمریکا، نه فیلم‌هایی که محصول آمریکا و کشورهای دیگر توأمان باشد) که ساختار روایی آنها با

متغیر مورد تحلیل یعنی (روابط بین فردی) تناسب موضوعی داشته باشد. بنابراین جامعه آماری، فیلم‌های محصول آمریکا از سال ۲۰۰۰ تا اواخر سال ۲۰۰۹ می‌باشد. (این فیلم‌ها بر اساس ژانرهای درام و زیر مجموعه درام، کمدی و زیر مجموعه کمدی تقسیم و طبقه بندی شده‌اند) که ۳۲۳ فیلم را شامل می‌شود. جدول زیر تعداد فیلم‌ها را به تفکیک سال نشان می‌دهد. (رحیمیان، ۱۳۸۹)

جدول (۱-۱): جامعه آماری

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
تعداد فیلم	۳۶	۲۳	۳۲	۲۵	۳۰	۳۴	۳۷	۴۱	۳۶	۲۹

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه :

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش طبقه‌بندی تصادفی ساده (SRS) می‌باشد. با توجه به اینکه فیلم‌های هالیوود را از ژانری (گونه) که به آن تعلق دارد می‌توان شناخت، ۳۲۳ فیلم (جامعه آماری) را بر اساس ژانر طبقه‌بندی کرده‌ایم و از ده درصد هر طبقه (هر ژانر) به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی ساده (قرعه‌کشی)، نمونه گرفته شد. بنابراین تعداد حجم نمونه ۴۵ تا فیلم می‌باشد یافته‌های تحقیق: در این پژوهش ۴۵ فیلم را مورد بررسی قرار دادیم. در این فیلم‌ها، کاراکترهای اصلی را که به نوعی در روابط بین فردی‌شان با یکدیگر درگیر بودند، مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌ایم (صرفاً یک کاراکتر زن و یک کاراکتر مرد در نظر نگرفته‌ایم). با توجه به اینکه هر فیلم را برای هر کاراکتر جداگانه تحلیل کردیم. تعداد کل فیلم‌ها را معادل ۸۷ فیلم در نظر گرفته‌ایم. در ۸۷ فیلم مشاهده شده، ۳۹ کاراکتر معادل ۴۴٫۸ درصد زنان و ۴۸ کاراکتر معادل ۵۵٫۲ درصد مردان تشکیل می‌دهند. همچنین بیشترین فراوانی مربوط به تعداد سکانس، به فیلم‌های با تعداد سکانس ۸۰ با فراوانی مشاهده شده ۲۱٫۸ درصد، اختصاص دارد و حداقل فراوانی مشاهده شده مربوط به فیلم‌هایی با تعداد سکانس‌های ۳۰، ۷۵، ۹۵، ۱۳۰، ۱۴۰ و ۲۰۰ می‌باشد. در ذیل ابتدا آزمون‌های نسبت یا دو جمله‌ای مربوط به متغیرهای فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ را آورده، سپس جداول فراوانی هر سه متغیر را نشان داده و شاخص‌های هر متغیر را جداگانه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

آمار استنباطی: جدول شماره (۲_۱) آزمون نسبت یا دوجمله‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۱

Binomial Te						
		Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Asymp. Sig. (2-tailed)
فردگرایی	Group 1	$\gamma \leq$	۷۹	.۹۱	.۵۰	.۰۰۰۰۱
	Group 2	$\gamma >$	۸	.۰۹		
	جمع		۸۷	۱/۰۰		
a Based on Z Approximation.						

به نظر می‌رسد در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود فردگرایی در روابط بین فردی دیده می‌شود
تفسیر:

فرضیه تحقیق می‌گوید که در بیشتر از ۵۰ درصد از کل فیلم‌های بررسی شده فردگرایی در روابط بین فردی دیده می‌شود در حالیکه فرضیه مقابل عکس آن را نشان می‌دهد. با مشاهده جدول بالا نتیجه می‌گیریم که فرضیه تحقیق اثبات شده است زیرا در ۷۹ فیلم از ۸۷ فیلم مشاهده شده معادل ۹۱ درصد، فردگرایی در روابط بین فردی دیده شده است و در ۸ فیلم معادل ۹/۰ درصد دیده نشده است. مقدار آزمون برابر با ۰.۵۰ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار sig (سطح معناداری) ۰.۰۰۰۱ بدست آمده که این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است، فرضیه تحقیق قبول می‌شود و فرضیه مقابل رد می‌شود. P خصوصیت مورد آزمون در فیلم‌های مشاهده شده می‌باشد. در اینجا P متغیر فردگرایی را نشان می‌دهد. (فرضیه مقابل $H_0 = P < 0.50$ ، فرضیه تحقیق $H_0 = P > 0.50$)

به نظر می‌رسد در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود، خشونت نمادین در روابط بین فردی دیده می‌شود

جدول شماره (۳_۱): آزمون نسبت یا دوجمله‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۲

Binomial Test						
		Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Asymp. Sig. (2-tailed)
خشونت نمادین	Group 1	$\gamma \leq$	۸۲	۰.۹۴	۰.۵۰	۰.۰۰۰۱
	Group 2	$\gamma >$	۵	۰.۰۶		
	جمع		۸۷	۱.۰۰		
a Based on Z Approximation.						

تفسیر :

فرضیه تحقیق می‌گوید که در بیشتر از ۵۰ درصد از کل فیلم‌های بررسی شده خشونت نمادین در روابط بین فردی دیده می‌شود در حالیکه فرضیه مقابل عکس آن را نشان می‌دهد. با مشاهده جدول بالا نتیجه می‌گیریم که فرضیه تحقیق اثبات شده است زیرا در ۸۲ فیلم از ۸۷ فیلم مشاهده شده معادل ۹۴ درصد، خشونت نمادین در روابط بین فردی دیده شده است و در ۵ فیلم معادل ۶۰ درصد، دیده نشده است مقدار آزمون برابر با ۰.۵۰ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار sig (سطح معناداری) ۰.۰۰۰۱ بدست آمده که این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است، فرضیه تحقیق قبول می‌شود و فرضیه مقابل رد می‌شود. در اینجا P متغیر خشونت نمادین را نشان می‌دهد. (فرضیه مقابل $H_0 = P < 0.50$ ، فرضیه تحقیق $H_0 = P > 0.50$)

به نظر می‌رسد در فیلم‌های دهه اخیر سیمای هالیوود، دیالوگ محور اصلی حل مشکلات در روابط بین فردی است.

جدول شماره (۴_۱): آزمون نسبت یا دوجمله‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۳

Binomial Test						
		Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Asymp. Sig. (2-tailed)
دیالوگ	Group 1	$2 \leq$	۸۲	.۹۴	.۵۰	.۰۰۰۱
	Group 2	$2 >$	۵	.۰۶		
	جمع		۸۷	۱/۰۰		
a Based on Z Approximation.						

تفسیر:

فرضیه تحقیق می‌گوید که در بیشتر از ۵۰ درصد از کل فیلم‌های بررسی شده دیالوگ محور اصلی حل مسائل در روابط بین فردی می‌باشد در حالیکه فرضیه مقابل عکس آن را نشان می‌دهد. با مشاهده جدول بالا نتیجه می‌گیریم که فرضیه تحقیق اثبات شده است زیرا در ۸۲ فیلم از ۸۷ فیلم مشاهده شده معادل ۹۴ درصد، دیالوگ در روابط بین فردی دیده شده است و در ۵ فیلم معادل ۶/۰ درصد دیده نشده است. مقدار آزمون برابر با ۰/۵۰ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار sig (سطح معناداری) ۰/۰۰۱ بدست آمده که این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است، فرضیه تحقیق قبول می‌شود و فرضیه مقابل رد می‌شود. P خصوصیت مورد آزمون در فیلم‌هایی مشاهده شده می‌باشد. در اینجا P متغیر دیالوگ را نشان می‌دهد. (فرضیه مقابل $H_0 = P < 0.50$ ، فرضیه تحقیق $H_0 = P > 0.50$)

فردگرایی:

جدول شماره (۶_۱): فروانی بر حسب فاکتورهای متغیر فردگرایی

جمع	حداک نر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه		فاکتورهای متغیر فردگرایی
					موارد پنهان (Missing)	متغیر	
۱۰۷۴	۳۴	۰	۶/۳۴	۱۲/۰۰	۰	۸۷	درانتخاب شیوه زندگی خود آزاد است
۱۲۳۲	۲۹	۰	۷/۱۶	۱۴/۰۰	۰	۸۷	خود تکایی

۲۲۲	۱۶	۰	۳/۲۲	۱/۰۰	۰	۸۷	تنهایی را ترجیح می دهد
۹۴۵	۳۱	۱	۵/۷۳	۱۱/۰۰	۰	۸۷	در رفتار و افکارش بازاندیشی می کند
۶۳۵	۳۰	۰	۵/۹۶	۶/۰۰	۱	۸۶	از نظر عاطفی وابسته نیست
۷۳۷	۳۱	۰	۷/۱۰	۸/۰۰	۰	۸۷	در زندگی هیجان را دنبال می کند
۱۸۲	۱۲	۰	۲/۲۵	۱/۰۰	۱	۸۶	موفقیت در انجام کارها
۱۲۸۴	۳۵	۲	۷/۳۷	۱۴/۰۰	۰	۸۷	جسارت در انجام کارها
۴۶۰	۲۵	۰	۴/۵۸	۴/۰۰	۰	۸۷	در انتخاب اهداف مهم در زندگی به تنهایی تصمیم می گیرد
۶۰۹	۲۲	۰	۴/۹۵	۷/۰۰	۱	۸۶	منفعت فردی را بر منفعت گروهی ترجیح میدهد
۶۶۳	۳۰	۰	۵/۳۶	۷/۰۰	۰	۸۷	بر لذت و خوشبختی خود و اطرافیان تاکید بیشتری دارد
۶۱۹	۱۸	۰	۴/۱۷	۷/۰۰	۰	۸۷	پذیرش و تحمل تفاوت ها در روابط بین فردی اش با دیگران
۱۱۸۲	۳۲	۰	۶/۲۸	۱۳/۰۰	۰	۸۷	آزادی بیان
۹۳۷	۲۸	۰	۷/۱۵	۱۰/۰۰	۰	۸۷	برخوردار از رفاه و امنیت اجتماعی
۷۷	۲۰	۰	۳/۱۲	۰/۰۰	۱۹	۶۸	از طرف انجمن های دولتی یا غیر دولتی حمایت می شود
۱۲۴۰	۲۹	۲	۶/۲۱	۱۳/۰۰	۲	۸۵	استقلال رای در محیط های مختلف زندگی
۱۱۸	۱۵	۱	۲/۷۷	۱/۰۰	۴۳	۴۴	برخورداری از کیفیت بالای زندگی
۹۲۸	۲۶	۱	۵/۸۶	۱۱/۰۰	۳	۸۴	انعطاف پذیری
۳۱۶	۱۷	۱	۴/۰۸	۲/۰۰	۲۷	۶۰	خودخواهی

جدولی را که مشاهده می‌کنیم ، شاخص‌های متغیر فردگرایی را در ۸۷ فیلم مورد بررسی ، نشان می‌دهد. در این جدول ، ستون حجم نمونه شامل دو قسمت است یکی متغیر که برابر با تعداد فیلم‌های است که شاخص مورد نظر در آنها دیده شده است و دیگری موارد پنهان ۱ که برابر با تعداد فیلم‌هایی است که شاخص مورد بررسی در آنها دیده نشده است. جمع این دو قسمت تعداد کل فیلم‌های بررسی شده را نشان می‌دهد که

برابر با ۸۷ فیلم (حجم نمونه) می‌باشد. همان طور که در جدول مذکور مشاهده می‌کنیم فاکتور، در انجام کارها جسارت دارد با فراوانی ۱۲۸۴ و انحراف معیار ۷/۳۷ بیشترین فراوانی مشاهده شده را در ۸۷ فیلم بررسی شده، داشته است. همچنین شاخص‌های: داشتن استقلال رأی با فراوانی معادل ۱۲۴۰ در ۸۵ فیلم، خوداتکایی با فراوانی ۱۲۳۲ در ۸۷ فیلم، آزادی بیان با فراوانی ۱۱۸۲ در ۸۷ فیلم، در انتخاب شیوه زندگی خود آزاد است با فراوانی ۱۰۷۴ در ۸۷ فیلم و انعطاف‌پذیری با فراوانی ۹۲۸ در ۸۴ فیلم، به ترتیب بیشترین فراوانی مشاهده شده را در ۸۷ فیلم مورد بررسی داشته‌اند. شاخص، حمایت از طرف انجمن‌های دولتی و غیر دولتی از متغیر فردگرایی، با فراوانی ۷۷، دارای کمترین فراوانی مشاهده شده می‌باشد که در ۴۴ فیلم از ۸۷ فیلم مورد بررسی، دیده شده است. همچنین فاکتورهای: برخوردار از کیفیت بالای زندگی با فراوانی معادل ۱۱۸ در ۴۴ فیلم، موفقیت در انجام کارها با فراوانی ۱۸۲ در ۸۶ فیلم، تنهایی را ترجیح می‌دهد با فراوانی ۲۲۲ در ۸۷ فیلم و خودخواهی با فراوانی ۳۱۶ در ۶۰ فیلم، به ترتیب کمترین فراوانی مشاهده شده را در ۸۷ فیلم بررسی شده، داشته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌هایی که جامعه‌ی لیبرال آمریکا و مکتب لیبرالیسم (فردگرایی) برای افراد در جامعه، تعریف می‌کند در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود دیده می‌شود. البته به غیر از دو فاکتور مهم یعنی فاکتورهای حمایت از طرف انجمن‌های دولتی و غیر دولتی و برخوردار از کیفیت بالای زندگی، در این فیلم‌ها دارای کمترین فراوانی مشاهده شده می‌باشند. همچنین شاخص‌هایی که یک جامعه‌ی فردگرا را به آن متهم می‌کنند یعنی، خودخواهی، ترجیح دادن تنهایی و عدم وابستگی عاطفی نسبت به شاخص‌های مثبت فردگرایی مثلاً: انعطاف‌پذیری، خوداتکایی، آزادی بیان، استقلال رأی و پذیرش و تحمل تفاوت‌های بین فردی، دارای فراوانی مشاهده شده‌ی کمتری هستند و در تعداد کمتری از ۸۷ فیلم مشاهده شده، دیده شدند. بنابراین با توجه به آزمون شماره ۱ (جدول ۱-۳) و جدول فراوانی متغیر فردگرایی، می‌توان نتیجه گرفت که: فردگرایی در روابط بین فردی در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود دیده می‌شود.

خشونت نمادین :

جدول شماره (۷_۱) : فروانی بر حسب فاکتورهای متغیر خشونت نمادین

جمع	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه		فاکتورهای متغیر خشونت نمادین
					متغیر	موارد پنهان (Missing) X	
۱۴۷	۱۲	۱	۳/۲	۲/۰۰	۳۰	۵۷	امر و نهی نکردن
۱۵۵	۱۳	۱	۴/۳	۰۰/۲	۴۳	۴۴	اقتدار و استبداد
۳۱۱	۱۴	۱	۰/۳	۰۰/۴	۱۹	۶۸	زورگویی به صورت پنهان
۲۵	۴	۱	۸۹/	۰۰/۱	۷۱	۱۶	آزار روانی
۱۸۷	۱۰	۱	۱/۲	۰۰/۲	۲۲	۶۵	نقد و نکوهش مداوم
۱۴۰	۹	۱	۹/۱	۰۰/۲	۲۹	۵۸	وادار به اطاعت
۱۶۳	۱۱	۱	۶/۲	۰۰/۳	۴۶	۴۱	میل به کنترل دیگران
۷۶	۱۰	۱	۸/۱	۰۰/۱	۹	۷۸	طرف را وادار به سکوت کند
۴۲۹	۱۸	۱	۵/۳	۰۰/۵	۴۸	۳۹	فریب دهی کلامی
۸۰	۸	۱	۹/۱	۰۰/۲	۵۶	۳۱	تعیین سبک زندگی
۱۳۱	۹	۱	۰/۲	۰۰/۲	۳۸	۴۹	عدم صراحت در گفتار
۱۲۵	۱۲	۱	۱/۲	۲/۰۰	۳۹	۴۸	تحقیر و توهین به طرف مقابل
۱۶۳	۱۴	۱	۶/۲	۰۰/۲	۳۲	۵۵	بی توجهی به حرف طرف مقابل

طبق تعریف بورديو از خشونت نمادین که در چارچوب نظری به آن پرداختیم ، روابط اقتدار به صورت بالادست و زیردست و خشونت پنهان در قالب زورگویی ، استبداد ، میل به کنترل دیگران از شاخص‌های اصلی خشونت نمادین می‌باشد. همانطور که جدول بالا

مشاهده می‌کنیم، فاکتور فریب دهی کلامی با فراوانی معادل ۴۲۹ و انحراف معیار ۳/۵ بیشترین فراوانی مشاهده شده را دارد که در ۳۹ فیلم از ۸۷ فیلم بررسی شده، دیده شده است. همچنین شاخص‌های : زورگویی به صورت پنهان با فراوانی ۳۱۱ و انحراف معیار ۳/۰۰ در ۶۸ فیلم ، نقد و نکوهش مداوم با فراوانی ۱۸۷ و انحراف معیار ۲/۱ در ۶۵ فیلم ، میل به کنترل دیگران در ۴۱ فیلم و بی توجهی به حرف زدن طرف مقابل در ۵۵ فیلم با فراوانی معادل ۱۶۳ و انحراف معیار ۲/۶ ، استبداد و اقتدار با فراوانی ۱۵۵ در ۴۴ فیلم و امر و نهی کردن با فراوانی ۱۴۷ در ۵۷ فیلم ، از ۸۷ فیلم مورد بررسی به ترتیب بیشترین فراوانی مشاهده را داراست. فاکتور آزار روانی از متغیر خشونت نمادین ، طبق جدول مذکور ، با فراوانی معادل ۲۵ و انحراف معیار ۸۹/۰. کمترین فراوانی مشاهده شده را داشته که در ۱۶ فیلم از ۸۷ فیلم بررسی شده دیده شده است. همچنین شاخص‌های : طرف مقابل را وادار به سکوت می‌کند با فراوانی ۷۶ در ۷۸ فیلم و تعیین سبک و شیوه‌ی زندگی با فراوانی ۸۰ در ۳۱ فیلم از ۸۷ فیلم (حجم نمونه) بعد فاکتور آزار روانی ، به ترتیب کمترین فراوانی مشاهده شده را در فیلم‌های مورد بررسی داشته‌اند. بنابراین با توجه به آزمون شماره ۲ (جدول ۱_۴) و جدول فراوانی متغیر خشونت نمادین، می‌توان نتیجه گرفت که : خشونت نمادین در روابط بین فردی در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود دیده می‌شود. خشونت آشکار در فیلم‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در سینمای هالیوود به سمت خشونت پنهان یا نمادین در دهه اخیر سوق پیدا کرده است. در واقع با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که خشونت در سینمای هالیوود از بین نرفته بلکه همانطور که بورديو می‌گوید فقط تغییر شکل داده است و از صورتی آشکار و خشونت‌های جسمی به صورتی پنهان و خشونت کلامی ، تغییر کرده است.

دیالوگ:

جدول شماره (۱_۸) : فراوانی بر حسب فاکتورهای متغیر دیالوگ

جمع	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه		فاکتورهای متغیر دیالوگ
					موارد پنهان (Missing)	متغیر	
۷۲۹	۲۶	۱	۷/۴	۰۰/۸	۲	۸۵	با دقت به حرف‌های طرف مقابلش گوش می‌دهد
۶۶۹	۲۷	۱	۵/۴	۰۰/۷	۱	۸۶	حرف طرف مقابلش را گوش نمی‌کند

							کند
۵۱۵	۲۳	۱	۰/۴	۰۰/۶	۵	۸۲	پرهیز از هر گونه پیش داوری موقعی که طرف مقابلش صحبت میکند
۴۳۱	۱۸	۱	۴/۳	۰۰/۵	۸	۷۹	پرهیز از تحمیل نظر خود به طرف مقابل
۴۲۲	۱۵	۱	۱/۳	۰۰/۴	۷	۸۰	نمی‌خواهد طرف مقابلش را با حرفهایش تحت تاثیر قرار دهد
۶۸۳	۲۹	۱	۰/۵	۰۰/۷	۲	۸۵	پرهیز از واکنش خصمانه نسبت به طرف مقابلش
۴۱۸	۱۷	۱	۳/۳	۰۰/۵	۴	۸۳	بر پندارها و اعتقادات خود اصرار نورزد
۲۹۸	۸	۱	۲/۲	۰۰/۳	۹	۷۸	در اندیشه و ارزشهای خود بازنگری کند
۶۲۱	۲۴	۱	۸/۴	۰۰/۷	۴	۸۳	رفتار مقتدرانه با طرف مقابل صحبت اش نداشته باشد
۳۷۸	۱۳	۱	۶/۲	۰۰/۴	۵	۸۲	در برقراری گفتگو به دنبال ایجاد تفکر جدید در خود باشد
۴۸۲	۱۶	۱	۷/۳	۰۰/۵	۴	۸۳	نظرات خود را مداوم تکرار نکند
۷۰۶	۲۴	۲	۰/۵	۰۰/۷	۲	۸۵	فرصت حرف زدن به طرف مقابلش بدهد
۳۷۳	۱۵	۱	۳/۳	۰۰/۴	۹	۷۸	به عقاید طرف مقابلش مرتب اعتراض نکند
۵۵۶	۱۹	۱	۰/۴	۰۰/۶	۴	۸۳	از کلمات اشتباه می‌کنی استفاده نکند
۵۳۴	۱۸	۱	۷/۳	۰۰/۶	۶	۸۱	به عقاید طرف مقابل احترام بگذارد
۳۵۵	۱۱	۱	۴/۲	۰۰/۴	۶	۸۱	مفروضات گذشته را کنار بگذارد
۳۰۵	۱۰	۱	۲/۲	۰۰/۴	۷	۸۰	بعد از گفتگو هر دو طرف به نظر یا نظرات مشترکی برسند

این جدول طبق تعریفی که دیوید بوهم در کتابش تحت عنوان " درباره دیالوگ " آورده ، طراحی شده است . بنابراین تعریف بوهم از دیالوگ ، مشخصه یک گفت گوی دو طرفه نه مونولوگ (تک گویی) همان شاخص‌هایی است که در جدول بالا آورده شده است . همانطور که مشاهده می‌کنیم ، فاکتور با دقت به حرفهای طرف مقابل صحبت‌اش گوش می‌-

دهد(یکی از مشخصه‌های مهم و اصلی دیالوگ می‌باشد) با فراوانی ۷۲۹ و انحراف معیار ۴/۷ بیشترین فراوانی مشاهده شده را داشته که در ۸۵ فیلم از ۸۷ فیلم مورد بررسی دیده شده است. همچنین دیگر شاخص‌های دیالوگ یعنی: فرصت حرف زدن به طرف مقابل صحبت‌اش بدهد با فراوانی ۷۰۶ و انحراف معیار ۵/۰۰ در ۸۵ فیلم، پرهیز از واکنش خصمانه نسبت به طرف مقابل صحبت‌اش با فراوانی ۶۸۶ و انحراف معیار ۵/۰۰ در ۸۵ فیلم، رفتار مقتدرانه با طرف مقابل‌اش نداشته باشد با فراوانی ۶۲۱ و انحراف معیار ۴/۸۰ در ۸۳ فیلم، از کلماتی مانند: تو اشتباه می‌کنی نسبت به طرف مقابل‌اش استفاده نکند با فراوانی ۵۵۶ و انحراف معیار ۴/۰۰ در ۸۳ فیلم، به عقاید طرف مقابل صحبت‌اش احترام بگذارد با فراوانی ۵۳۴ و انحراف معیار ۳/۷۰ در ۸۱ فیلم و پرهیز از هرگونه تحمیل نظر خود به طرف مقابل گفت و گو با فراوانی ۵۱۵ و انحراف معیار ۴/۰۰ در ۸۲ فیلم ف از ۸۷ فیلم بررسی شده، به ترتیب دارای بیشترین فراوانی مشاهده شده می‌باشند. اما دو تا از شاخص‌های دیالوگ که برای نتیجه‌ی یک گفت و گوی دو طرفه مهم می‌باشد یعنی فاکتورهای: در اندیشه‌ها و ارزشهای خود (هر دو طرف گفتگو) بازنگری کنند با فراوانی ۲۹۸ و انحراف معیار ۲/۲۰ در ۷۸ فیلم و بعد از پایان گفت و گو هر دو طرف به نظرات مشترکی برسند که با نظرات آنها قبل از برقراری گفت و گو متفاوت باشد با فراوانی ۳۰۵ و انحراف معیار ۲/۲۰ در ۸۰ فیلم از ۸۷ فیلم مشاهده شده، به ترتیب کمترین فراوانی مشاهده شده را داشته‌اند. بنابراین با توجه به آزمون شماره ۳ (جدول ۱_۵) و جدول فراوانی متغیر دیالوگ، می‌توان نتیجه گرفت که اگر چه بعضی از شاخص‌های دیالوگ که برای برقراری یک گفت و گوی دو طرفه مهم می‌باشند، دارای کمترین فراوانی مشاهده شده بوده‌اند اما نتایج بدست آمده به ما نشان می‌دهد که افراد، تضادها و مشکلات در روابط بین فردیشان را از طریق دیالوگ حل می‌کنند که با دیدن فیلم‌های انتخاب شده (از طریق نمونه گیری)، می‌توان محوریت دیالوگ را در روابط بین فردی در بین کاراکترهای اصلی دید.

نتیجه‌گیری:

در سراسر این مقاله هدف دنبال کردن وضعیت فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود بوده است.

چنین هدفی در این تحقیق، از طریق در نظر گرفتن شاخص‌های مهم فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ در روابط بین فردی، در قالب چارچوب نظری میسر گشت. قصد

ما این بود که تعاملات و تضادهای بین افراد را در فیلم‌های مذکور بررسی کنیم. بر مبنای اینکه فردگرایی که سینمای هالیوود به تصویر می‌کشد از نوع مثبت است یا به صورت فردگرایی خودخواهانه و منفی و همچنین خشونت از بین رفته یا اینکه به قول بوردیو شکل آن تغییر یافته است و دیگر اینکه به دنبال بررسی این موضوع بودیم که کاراکترهای اصلی در فیلم‌های مورد مطالعه در موقع بروز هر مشکلی، دیالوگ را محور حل مشکلات در روابطشان با دیگران قرار می‌دهند یا به صورت مونولوگ و از طریق استبداد مسأله را حل می‌کنند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که فردگرایی، خشونت نمادین و دیالوگ در روابط بین فردی در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود دیده می‌شود. با توجه به جدول فراوانی گویه‌های متغیر فردگرایی (جدول ۱_۶) می‌توان نتیجه گرفت که فردگرایی مشاهده شده در فیلم‌های مورد بررسی از نوع فردگرایی مثبت است. مهم‌ترین پارامترهایی که یک جامعه لیبرال به عنوان یک جامعه فردگرا برای افرادش در نظر می‌گیرد این است که انسانها را در انتخاب شیوه زندگی‌شان آزاد گذارد و به آنها حق آزادی بیان دهد. همچنین انسانها در چنین جامعه‌ای از استقلال رأی برخوردارند، انعطاف پذیرند و به عقاید و ارزشهای مخالف با عقاید و ارزشهای خودشان احترام می‌گذارند و در کلیه افکار و کردارشان تجدید نظر می‌کنند. در جدول (۱_۶) مشاهده می‌کنیم که این پارامترها در ۸۷ فیلم بررسی شده، بیشترین فراوانی را داشته‌اند این در حالی است که فاکتورهایی که جامعه آمریکا به عنوان یک جامعه فردگرا به آن متهم است یعنی خودخواهی، عدم وابستگی عاطفی و انزوا کمترین فراوانی مشاهده شده را در فیلم‌های مورد بررسی داشته‌اند. خشونت نمادین مورد نظر در این پژوهش همان خشونت نمادین در تعریف بوردیو می‌باشد. خشونت که از صورت آشکار به صورتی پنهان تغییر شکل یافته و روابط اقتدار(فرمانبر و فرمانبردار) در جوامع مدرن کاملاً صورت پنهان پیدا کرده است، طوریکه افراد زیر سلطه بدون آگاهی، این رابطه نابرابر را پذیرفته‌اند. در جدول فراوانی (۱_۷) فاکتور فریب دهی کلامی دارای بیشترین فراوانی مشاهده شده در ۸۷ فیلم بررسی شده است. همچنین فاکتورهای زورگویی به صورت پنهان، بی‌توجهی به حرف زدن طرف مقابل، استبداد و اقتدار، امر و نهی کردن و تحقیر و توهین به طرف مقابل به ترتیب بیشترین فراوانی مشاهده شده را داشته‌اند. شاخص آزار روانی(که شاید بتوان آن را جزء خشونت آشکار به حساب آورد) در متغیر خشونت نمادین

کمترین فراوانی مشاهده شده را داشته است که در ۱۶ فیلم از ۸۷ فیلم مورد بررسی، دیده شده است. جدول فراوانی گویه‌های متغیر دیالوگ (جدول ۱_۸) نشان می‌دهد که افراد در جامعه آمریکا دیالوگ را محور اصلی حل مشکلات در روابط بین فردیشان قرار می‌دهند. فاکتورهای فرصت حرف زدن به طرف مقابل را می‌دهد، با دقت به حرفهای طرف مقابل گوش می‌دهد، پرهیز از واکنش‌های خصمانه و نداشتن رفتار مقتدارانه با طرف مقابل به ترتیب بیشترین فراوانی مشاهده شده را در ۸۷ فیلم بررسی شده، داشته‌اند. همچنین فاکتورهای بازنگری در اندیشه‌ها و گفتار و بعد از گفتگو به نظرات مشترکی برسند، کمترین فراوانی مشاهده شده را در ۸۷ فیلم مورد بررسی داشته‌اند. بنابر یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که فردگرایی و دیالوگ رابطه نزدیکی باهم دارند. همچنین افراد در یک جامعه لیبرال در حین آنکه اهداف فردیشان را به تنهایی انتخاب می‌کنند و دارای استقلال رأی و آزادی بیان هستند و انعطاف پذیر، اما از تنهایی بیزارند و کمتر خودخواهی را در روابطشان با دیگران به کار می‌برند. همچنین شاخص‌های فردگرایی که دارای بیشترین فراوانی بودند در متغیر دیالوگ نیز بیشترین فراوانی مشاهده شده را داشته‌اند. به این معناست که فرد در حین آنکه این حق را برای خودش قائل است که به راحتی حرفهایش را بیان کند و برای خودش استقلال و آزادی بیان قائل است برای طرف مقابل‌اش نیز که با او در ارتباط است همین حق را قائل شود و عقاید و ارزشهای طرف مقابل‌اش را حتی اگر با آن عقاید مخالف باشد، بپذیرد و با دقت به حرفهای طرف ارتباطش گوش دهد. اما با این وجود نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که هنوز خشونت در روابط بین فردی دیده می‌شود اما طبق گفته بورديو این خشونت در جوامع مدرن صورت آشکار خود را از دست داده بلکه به شکل پنهان و نمادین درآمده است به طوریکه افراد این خشونت را احساس نمی‌کنند و بر این باورند که در یک جامعه لیبرال و عاری از خشونت زندگی می‌کنند به این نکته اشاره می‌کنیم که پارامترهایی که در فیلم‌های دهه اخیر سینمای هالیوود مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌ایم، با توجه به نظریه‌هایی که در زمینه فردگرایی لیبرالیسم، خشونت نمادین بورديو و تعاریفی که از دیالوگ در بین اندیشمندان غربی رواج دارد تهیه شده است و فیلم‌های انتخاب شده نیز بر اساس این پارامترها که در پرسشنامه‌ای آماده و بر اساس سکناس پر شده‌اند، تجزیه و تحلیل کردیم و نتایج بدست آمده نیز بر اساس خروجی‌ها و یافته‌های تحقیق می‌باشد و قصد ما این نبوده که نتایج حاصل از مشاهده فیلم‌های دهه

اخیر سینمای هالیوود را با واقعیت موجود در جامعه آمریکا منطبق کنیم بلکه هدف ما بیشتر مقایسه بین آنچه که جامعه آمریکا به آن متهم است و آنچه که در این فیلم‌ها مشاهده کرده‌ایم، می‌باشد.

در پایان بایستی به این نکته اشاره شود که با توجه به گستردگی سینمای هالیوود و جهانی سازی و تأثیر انکار ناپذیر متقابل سینما و جامعه پیشنهاد می‌گردد که محققین در آینده به موضوعات زیر بپردازند :

- نظریه‌های اجتماعی و تطابق آن با سینمای هالیوود

- هژمونی و عدم هژمونی سینمای هالیوود

- تأثیرپذیری جنبش‌های مدنی و ساختارهای سیاسی از سینمای هالیوود

- تأثیر فیلم‌های هالیوود بر ساختار خانواده، فرد و جامعه

همچنین این تحقیق در روانشناسی اجتماعی و فردی (در بحث مشکلات در روابط بین افراد در خانواده، محل کار، محل تحصیل و...)، در حوزه‌های سینمای اجتماعی و برنامه-ریزی برای جوانان با توجه به گرایش آنها به سینمای هالیوود (بالاخص ژانرهای اکشن و ترسناک) کاربرد دارد.

منابع :

- عاملی، رضا (۱۳۸۲)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، ص ۱۷۴-۱۴۳
- بورديو، پیر (۱۳۸۰)، نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران، انتشارات نقش و نگار
- آدورنو، تئودور . هورکهایمر، ماکس (۱۳۸۳)، دیالکتیک روشنگری، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران، نشر گام نو
- رحیمیان، بهزاد (۱۳۸۹)، راهنمای فیلم روزه، گزیده سینمای جهان (۱۳۸۹-۲۰۰۹)، تهران، نشر روزه کار
- محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۷)، روش تحلیل محتوا: (راهنمای عملی تحقیق، تهران، گنجینه علوم انسانی، دانش نگار
- نیکولز، بیل (۱۳۷۸)، ساختگرایی و نشانه شناسی در سینما، ترجمه علاءالدین طباطبایی، تهران: نشر هرمس
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۸)، ارتباط شناسی: ارتباطات انسانی: میان فردی، گروهی، جمعی، تهران، نشر سروش

- کوک، دیویدا (۱۳۸۰) تاریخ جامع سینمای جهان، جلد اول و دوم، ترجمه هوشنگ آزادی، تهران، نشر چشمه
- کینگ، جف (۱۳۸۶) مقدمه ای بر هالیوود جدید، محمد شهباء، تهران، نشر هرمس
- جهانبیان، ناصر (۱۳۷۸)، فردگرایی و نظام لیبرال، سرمایه داری، نشریه (کتاب نقد)، شماره سوم
- سلطانی، کاظم (۱۳۸۰)، سینما نیرومندترین وسیله انتقال فرهنگ میان تمدنها، ماهنامه در آستانه فردا، سال هفتم، شماره ۵۷
- یزدانجو، پیام (۱۳۸۳)، اکران اندیشه، تهران، نشر مرکز
- بوهم، دیوید (۱۳۸۱)، درباره دیالوگ، ترجمه محمدعلی حسین نژاد، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی بنیامین، والتر (۱۳۶۶)، نشانه ای به رهایی، ترجمه ی بابک احمدی، تهران، نشر تندر، چاپ اول
- بودریار، ژان (۱۳۸۱)، در سایه ی اکثریت های خاموش، ترجمه ی پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز، چاپ اول
- هیل، جان. چرچ گیسسن، پاملا (۱۳۸۸)، رویکردهای انتقادی در مطالعات فیلم، ترجمه علی عامری مهابادی، تهران: انتشارات سوره مهر
- آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷)، لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز
- آقابخشی، علی (۱۳۸۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار
- بوردو، ژرژ (۱۳۸۳) لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر نی
- شیخ مهدی، علی (۱۳۸۲) فیلم های مردم پسند: تعامل فرهنگی_ اجتماعی، تهران: انتشارات سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)
- برتو، پائولو (۱۳۸۹) مقاله (چرا سینمای آمریکا معاصر است)، ترجمه رضا قیصریه، نشریه سینما و ادبیات، سال هفتم، شماره ۲۶
- استونز، راب (۱۳۷۹) متفکران بزرگ جامعه شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۹) ارتباطات انسانی، تهران، خدمات فرهنگی رسا
- روانگاپادیاچی، دو (۱۳۸۲). روانشناسی و ارتباط بین فردی، ترجمه شهین طاقی، زاهدان، نشر روستا
- معمندنژاد، کاظم (۱۳۵۵). وسایل ارتباط جمعی، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی
- اندرو، دادلی (۱۳۶۵) تئوری های اساسی فیلم، ترجمه ی مسعود مدنی، تهران، انتشارات عکس معاصر، چاپ اول
- استم، رابرت (۱۳۷۳) مقدمه ای بر نظریه ی فیلم، به کوشش احسان نوروزی، تهران، انتشارات سوره ی مهر

H. B. Lumer (1969) symbolic Interactionism, Perception and method (Englewood Cliffs, NJ: prentice-hall)

P. Bourdieu, L'Ontologie politique de Martin Heidegger, Actes de la recherche en sciences Sociales, pp. 109-156

<http://majidsaadatzade.blogfa.com/1389/4/28>

[http://www.tebyan-zn.ir/news-article/society/socialcommuunication/ Allyn
2010/8/11/362.html](http://www.tebyan-zn.ir/news-article/society/socialcommuunication/Allyn%2010/8/11/362.html)

<Http://www.historical.com/hollywood/history.html>

<Http://www.powercube.net/other-formsof-power/bourdieu and habitus>

<Http://www.hawzah.net> عبادیان محمود ۱۳۷۹/۹/۱،

